

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

در بحث نماز مسافر گفتیم مرحوم امام(ره) به تبع مرحوم سید(ره) و دیگران می‌فرمایند: قاطع سفر سه امر می‌باشد. قاطع اول مسئله وطن بود که بحث از وطن اصلی، اتخاذی عرفی و شرعی را بیان نمودیم. به نظر ما وطن شرعی از ادله قابل برداشت نمی‌باشد.

قاطع دوم: اقامت ده روز

قاطع دوم از قواطع سفر، قصد اقامت ده روز است؛ مثلاً اگر مسافر هشت فرسخ را طی نمود، مسلم نماز او قصر است. اما اگر در میان راه و نسبت به محلی قصد «اقامه عشرة ايام» نمود، سفر او قطع شده و باید نماز را تمام بخواند.^[1]

قطع موضوعی یا حکمی سفر، به واسطه اقامت ده روز

از ظاهر عبارت مرحوم سید(ره) و مرحوم امام(ره) که فرموده‌اند: «من قواطع السفر العزم على إقامة عشرة أيام»، چنین استفاده می‌شود که این قاطع، قاطع موضوعی است.

اما واضح است که عرف به شخصی که در حال مسافرت است اما در بین راه قصد اقامت ده روز در محلی را دارد، مسلماً مسافر گفته و عنوان مسافر را از وی واقعاً و موضوعاً زائل نمی‌داند؛ یعنی او را مسافری می‌داند که قصد اقامت ده روز دارد.

شاید این احتمال داده شود که مراد از قطع موضوعی، مسئله تنزیل است؛ به این بیان که شارع شخص مقیم را موضوعاً مانند شخص متوطن قرار داده‌است. مانند روایتی که در آن بیان شده بود اگر شخص اقامه ده روز در مکه داشته باشد، به منزله اهل مکه است.

اولاً تنزیل نیاز به دلیل دارد یعنی باید دلیل عامی داشته باشیم که بگوید «المقیم متوطن»؛ در حالی که چنین دلیلی وجود ندارد.

ثانیاً روایتی که در آن مقیم ده روز در مکه به منزله اهل مکه شمرده شده‌است، اختصاص به مکه دارد. ضمن این‌که این روایت مورد اعراض فقهاء نیز واقع شده‌است و در مورد مکه نیز به آن عمل نمی‌شود.

به نظر ما مقیم به اقامت ده روز نه حقیقتاً و نه تنزیلاً عنوان متوطن را ندارد و لذا چنین به نظر می‌رسد این قاطع، قاطع حکمی

باشد؛ در نتیجه باید مسئله تخصیص ادله را مطرح نموده و بگوئیم: روایات اقامت ده روز، مخصص ادله‌ای است که می‌فرماید: اگر شخص به مقدار هشت فرسخ مسافت را طی نمود، باید نماز را شکسته بخواند؛ یعنی مسافر باید نماز را شکسته بخواند، مگر این‌که در محلی قصد اقامت ده روز داشته باشد.

عدم لزوم علم به اقامت ده روز

مرحوم سید(ره) و مرحوم امام(ره) می‌فرمایند: اقامت ده روز به دو گونه محقق می‌شود: الف- قصد اقامت ده روز کافی است و علم به آن لازم نمی‌باشد. ب- قصد لازم نیست و علم به اقامت ده روز کافی می‌باشد.

به بیان دیگر در اقامت ده روز، علم به میزان اقامت یا قصد مکفی است؛ مثلاً اگر شخصی قصد اقامه دارد اما به سبب وقوع حادثه‌ای مجبور به رفتن می‌شود، یا اگر شخصی قصد اقامه ندارد اما او را مجبور به اقامه می‌کنند اما علم دارد که ده روز در این مکان خواهد ماند، در هر دو مورد قصد اقامت ده روز محقق خواهد شد.

در مسئله محل بحث، اکثر روایات که از حد استفاضه نیز بالاتر هستند، ناظر بر کفایت قصد، عزم و نیت می‌باشند و صحبتی از لزوم یا عدم لزوم علم در آن‌ها نشده‌است؛ لذا مرحوم صاحب وسائل(ره) نیز در عنوان باب مسئله علم و یقین را مطرح نموده‌اند.^[2]

مثلاً در یک روایت از امام (علیه‌السلام) سوال می‌شود اگر شخصی در حال سفر با ماه مبارک رمضان مواجه شد و مدتی را در جایی ماند، باید روزه بگیرد یا خیر؟ ایشان می‌فرمایند: «لَا حَتَّى يُجْمَعَ عَلَى مَقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ وَإِذَا أَجْمَعَ عَلَى مَقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ صَامَ وَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ»^[3]

در روایت دیگر امام (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «إِذَا قَدِمْتَ أَرْضاً وَ أَنْتَ تُرِيدُ أَنْ تُقِيمَ بِهَا عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَصُمْ وَ أَتَمَّ»^[4] از مجموع روایات این باب استفاده می‌شود اگر شخصی نیت ده روز داشت، موضوع برای تمام خواندن نماز محقق خواهد شد.

اما برخی روایات این باب دلالت بر کفایت مطلق یقین دارند؛ یعنی حتی اگر یقین به همراه اختیار، اکراه و یا اضطرار نیز باشد، موضوع برای تمام خواندن نماز محقق خواهد شد.

مثلاً در روایت از امام (علیه‌السلام) سوال می‌شود چه زمانی شخص باید نماز را تمام و یا قصر بخواند؟ ایشان در جواب می‌فرمایند: «إِذَا دَخَلْتَ أَرْضاً فَأَيَّقَنْتَ أَنَّ لَكَ بِهَا مَقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ»^[5]

بررسی روایات مسئله

نکته اول در این روایت طریقه جمع میان دو تعبیری است که در آن‌ها وارد شده‌است؛ چون از یک طرف در برخی تنها لزوم وجود نیت با تعبیری مانند «یجمع» به معنا تصمیم قطعی یا «أزمت» به معنای جزم و گرفتن تصمیم قطعی بیان شده و از طرف دیگر در برخی از آن‌ها مسئله لزوم یقین با تعبیر «أیقنت» ذکر شده‌است.

طبق تعبیر اول باید بگوئیم اگر شخص قصد جدی اقامت ده روز را داشته باشد ولو یقین به ماندن ده روز نیز نداشته باشد کافی است.

طبق تعبیر دوم باید بگوئیم شخص به اقامت ده روز باید یقین داشته باشد اعم از این که قصد بکند یا خیر و یا این که مکره، مضطر یا مختار باشد یا خیر؟! سه احتمال در جمع میان این دو تعبیر وجود دارد:

احتمال اول: «أيقنت» تفسیر برای سایر تعابیر باشد و بگوئیم مجرد نیت کافی نیست و شخص باید یقین به اقامت ده روز نیز داشته باشد، بلکه می توان گفت موضوع برای تحقق حکم اتمام، وجود یقین به مقدار اقامت است پس حتی نیت و قصد نیز دخالتی ندارد.

به نظر ما این احتمال أظهر احتمالات مذکور است و یقین در اقامت ده روز ملاک اصلی برای قطع سفر است.

احتمال دوم: بین دو دسته روایات با «أو» جمع نموده و بگوئیم یا نیت و یا یقین برای تحقق اقامت ده روز لازم می باشد.

احتمال سوم: بین دو دسته روایات با «وأو» جمع نموده و بگوئیم هم نیت و هم یقین برای تحقق اقامت ده روز لازم می باشد.

نکته دوم این است که در برخی روایات این باب مسئله اقامت پنج روز مطرح شده است، مانند این روایت:

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ: سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ أَنَا أَسْمَعُ - عَنْ الْمُسَافِرِ إِنِ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِإِقَامَةِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ - قَالَ فَلْيُتِمَّ الصَّلَاةَ - فَإِنْ لَمْ يَدْرِ مَا يُقِيمُ يَوْمًا أَوْ أَكْثَرَ - فَلْيَعُدَّ ثَلَاثِينَ يَوْمًا ثُمَّ لْيُتِمَّ - وَإِنْ كَانَ أَقَامَ يَوْمًا أَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً - فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ بَلِّغْنِي أَنَّكَ قُلْتَ خَمْسًا - فَقَالَ قَدْ قُلْتَ ذَلِكَ قَالَ أَبُو أَيُّوبَ - فَقُلْتُ أَنَا جُعِلْتُ فِدَاكَ - يَكُونُ أَقَلُّ مِنْ خَمْسَةِ أَيَّامٍ قَالَ لَا.»^[6]

در روایت مذکور ابی ایوب می گوید به همراه محمد بن مسلم در محضر امام صادق (علیه السلام) بودیم و محمد بن مسلم سوالی در مورد مسافر پرسید و من هم می شنیدم.

او پرسید اگر شخص نیت اقامت ده روز داشت - یعنی یقین ندارد مگر این که روایات اُیقنت را تفسیر برای این روایت نیز قرار دهیم - صحیح است؟ حضرت می فرماید: بله همین مقدار کافی است. اما اگر نمی داند باید تا سی روز صبر نموده و بعد از آن نماز را تمام بخواند.

در ادامه محمد بن مسلم به امام (علیه السلام) عرضه می دارد که از شما به ما این مطلب رسیده است که اگر شخص پنج روز نیز در محلی اقامت داشته باشد کافی است. حضرت می فرماید: بله من این مطلب را بیان نمودم.

در ادامه ابو ایوب می پرسد: آیا با کمتر از پنج روز نیز مسئله اقامت محقق می شود؟ حضرت می فرماید خیر.

مرحوم صاحب وسائل (ره) ذیل این روایت می فرماید: مرحوم شیخ طوسی (ره) این روایت را بر شخصی که مقیم مکه و مدینه باشد حمل نموده و گفته است: به صورت استحبابی می تواند نماز را تمام بخواند. مرحوم صاحب وسائل (ره) در ادامه می فرماید: باید روایت مذکور را حمل بر تقیه نمود چون موافق با روایت عامه است.

کلام مرحوم عراقی (ره)

مرحوم محقق عراقی (ره) در مورد کلام مرحوم سید (ره) تأمل دارند. ایشان می فرماید: همان گونه در بحث سفر به اندازه ثمانیه

فراسخ گفتیم طی مسافت به صورت مطلق کافی نیست و شخص باید در طی مسافت مختار باشد، در این مسئله نیز چنین است و نمی‌توانیم بگوئیم مطلق یقین کافی است.

توضیح مطلب این‌که در بحث طی مسافت هشت فرسخ مشهور می‌گویند اگر این مسافت حتی به اکراه و یا به اضطرار نیز طی شود، کافی است و شخص باید نماز را تمام بخواند.

در مقابل مرحوم عراقی (ره) می‌فرماید: طی مسافت هشت فرسخ تنها در صورتی کافی است که شخص در طی مسافت اختیار داشته باشد.

در مانحن فیه نیز می‌فرماید: اگر شخصی را در محلی حبس نمودند و او نیز می‌داند ده روز باید بماند، کافی نیست و اگر این شخص مسافر باشد، اقامت مذکور قاطع سفرش نیست.

بله اگر اختیار با واسطه محقق شود کافی است؛ مثلاً شخصی که همراه کاروانی در حال مسافرت است می‌گوید: همان‌گونه که اختیار کاروان با مسئول آن است، اختیار من نیز به دست او می‌باشد.^[7]

عدم کفایت ظن به اقامت ده روز

ولو ما حجیت ظن در موضوعات را کافی می‌دانیم اما در این مسئله اولاً طبق مبنای مشهور که حجیت ظن در موضوعات را کافی نمی‌دانند، ظن به اقامت ده روز کافی نیست.

ثانیاً این موارد از مواردی است که شارع در آن یقین را أخذ نموده و می‌فرماید: زمانی این موضوع محقق می‌شود که شما یقین داشته باشید؛ در نتیجه حتی طبق مبنای ما یعنی حجیت ظن در موضوعات نیز نمی‌توان در این مسئله قائل به کفایت ظن شد.

لزوم توالی در ده روز اقامت

در مسئله محل بحث ولو قید پشت سر هم بودن ده روز – متوالیات – در روایات ذکر نشده است، اما طبق قاعده می‌دانیم اگر در کلام زمان ذکر شود، ظهور در توالی دارد.

مثلاً اگر پزشک به بیمار بگوید باید ده روز از فلان دارو استفاده نمائی، عقاء می‌گویند ظهور در این مطلب دارد که این ده روز باید پشت سر هم باشد. یا اگر در شرع گفته می‌شود کمترین مقدار حیض سه روز است، یعنی این سه روز باید پشت سر هم باشد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] «الثاني من قواطع السفر العزم على إقامة عشرة أيام متواليات...» العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج 2، ص: 144 و تحرير الوسيلة، ج 1، ص: 258.

[2] «بَابُ أَنَّ الْمُسَافِرَ إِذَا نَوَى الْإِقَامَةَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِتِمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ اعْتُبِرَتِ الْمَسَافَةُ فِيمَا بَعْدَهَا وَ إِذَا تَرَدَّدَ فِي الْإِقَامَةِ وَجَبَ عَلَيْهِ الْقَصْرُ إِلَى ثَلَاثِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّمَامُ وَ لَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً وَ حُكْمُ إِقَامَةِ الْخُمْسَةِ.» وسائل الشريعة، ج 8، ص: 498.

[3] وسائل الشيعة، ج8، ص: 498.

[4] وسائل الشيعة، ج8، ص: 498.

[5] وسائل الشيعة، ج8، ص: 500.

[6] وسائل الشيعة، ج8، ص: 501.

[7] . «فيه أيضاً التأمل السابق الجاري فيه في المسافة الموجبة للقصر من كفاية مطلق اليقين في المقام أيضاً أم يحتاج إلى الاختيار و لو بتوسيط اختيار لازمه أو ملزومه مع الالتفات بالمالزمة و الله العالم. (آقا ضياء).» العروة الوثقى (المحشى)، ج3، ص: 478.